

حقیقت

۴ خرداد ۱۳۵۹

شماره ۲۱۵

هشدار!

به همه
انقلابیون
و مردم ایران

منظر میرسد توطئه نظامی نا - فرجام آمریکا هیچ تکان جدی در میان نیروهای مترقی و انقلابی، احزاب و گروههای ملی و شخصیت های صاحب نفوذ و علاقمند به سرنوشت کشور بوجود نیاورده است، و کسی به فکر سرنوشت انقلاب و مردم نیست. در حالیکه اخبار روشناهدنگران کننده ای از اجرای قریب الوقوع طرحهای جدیدی از سوی آمریکا برای انجام مداخله و زمینه سازی کودتا حکایت میکنند، قطب واقعا هوشیار و رهبری کننده ای برای حفظ اتحاد مردم و بسیج توده ها جهت خنثی سازی مآختن حرکت های توطئه - گرانه و طرحهای سرکوب انقلاب وجود ندارد. آنها که داعیه " ولایت امت " و پیشوائی انقلاب تا به آخر را داشته اند تا حال چندان به اعتماد و اتحاد اقشار خلقی و توده های مردم سراسر کشور نرسیده اند، که اکنون جمیع آوری همه قوای مردم و همسوگردان - نیدن آنها برای هرنیروی انقلابی مستعدکاری صعب و دشوار شده است. ای مردم! خطرات همه سوا انقلاب ایران را تهدید میکنند، و حال آنکه سیاستهای دولت و روش احزاب سیاسی حاکم کشور را سرانجام بیسود و نام ازدها فروخواهد برد. بنی مدرسیا آنکه ظاهرا از خطر توطئه و کودتای قریب الوقوع از سوی آمریکا دم می زند، دست در دست " شورای انقلاب " بقیه در صفحه ۴

سنندج فتح شدنی نیست!

سنندج را " فتح " کرده اند. اینرا سران ارتش و رهبران سپاه پاسداران و دقترباست جمهوری و امام جمعه های شهر با سروصدای فراوان در هفته گذشته بگوش هم رسانند. ارتش و سپاه پاسداران پس از بیش از سه هفته محاصره نظامی و اقتصادی سنندج، پس از بیش از سه هفته بمباران شهر، پس از بیش سه هفته کشتار، پس از بیش سه هفته جلوگیری از رسیدن غذا، دارو و آب و برق و نفت و بنزین به سنندج، آنرا با افتخار تمام " فتح " کردند. کردند و اینک دارند فتوحات خود را جشن میگیرند و آنرا بر رخ همه می کشانند. بقیه در صفحه ۷

نکاتی درباره مجلس اول شورا

اولین مجلس جمهوری اسلامی در ۷ خرداد گذشته خواهد شد. سرنوشت گروهکها، ترکیب دولت آینده، ترمیم قانون اساسی و تدوین و تصویب قوانین مملکتی، همه در انتظار تصمیمات این مجلس اند و چشمهای بسیاری به آن دوخته شده اند. این مجلس قرار است گام آخر در رسمیت بخشیدن به جمهوری اسلامی و تثبیت نهایی آن باشد و به نظام جمهوری اسلامی ایران جنبه قانونیت نهایی را ببخشد. ترکیب نمایندگان این مجلس بیش از آنکه محصول انتخابات دو مرحله ای پرازنقلاب و دسیسه چینی بقیه در صفحه ۶

درباره وحدت نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک

اینروزها مسأله " وحدت نیروها " و " ایجاد جبهه مشترک " نقل بسیاری از محافل بوده و میزگردها و ملاقات ها و گفتگوهای دوجانبه و چند جانبه ای میان نیروهای مختلف صورت گرفته است. بحث ها و مناظره های تلویزیونی بیامون " انقلاب فرهنگی " و میزگرد وحدت " روزنامه اطلاعات و ملاقات ها و جلسات آشکارا و پنهانی دیگر، ظاهرا در خدمت این " وحدت " بوده، توجه بسیاری را بخود مشغول داشته است. شک نیست (بقیه در صفحه ۲)

در این شماره:

- عوامل همدست کودتا در رأس ارتش و صفحه ۱۲
- زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم صفحه ۱۲
- "کنفرانس کشورهای اسلامی" صفحه ۱۲
- مبارزه دهقانان جوزدانی و "بنیاد مستضعفان" صفحه ۸
- درد و بر شهیدای پرسنل مبارز نظامی صفحه ۴
- مردم غیور آبادان، دادستان شهر خود را بشناسید صفحه ۱۵
- اخبار جنبش کارگری صفحه ۹ و ۱۲

درد و بر شهیدای پرسنل مبارز نظامی
که جان دادند و بروی خلق خود اسلحه تکشیدند
در ۵

انقلاب و مبارزه را تنها آن می نماید و در نهایت مشترکاً برای خشنی ساختن جریا نهایی ما هیئت انقلابی - از هر نوع مکتب و مسلکی که میخواهیم باشد تلاش میورزند.

این دودسته بندی آموزشی -

درباره وحدت نیروهای ضد امپریالیست

بیخبر از محمد اول

وعدتی رفته بیش از هر کسی مشتاق آن می باشد، لکن "وحدتی" که این نیروها تدارکش در این قبیل میزگردها و ملاقاتها و مناظره ها دیده می شود، نه بر اساسی منافع عاجل نیروهاست - بلکه بر اساسی منافع بلند مدت و بیگانه از آن رفته میان نیروهای حقیقتاً ضد امپریالیست و انقلابی، بلکه میان طبیعی از نیروهای انقلابی و رادیکال گرفته تا لیبرال و سازشکار و با لایحه وابسته و نزدیک به دوا بیرون قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی صورت گرفته، نتیجتاً نمیتوانند در خدمت ضروریات عاجل مبارزه ضد امپریالیستی و منافع ملت ما باشد. مدتهاست که درون محافل و کنگره ها کم و گشاکش و رقابت میان دو گرایش و جناح از هیئت ها که وجود داشته و بر حسب شرایط اوقات و چیز می نماید، قبیل از سقوط دولت بازرگان و اقدام این دولت در "ثروای انقلاب" و انتخابت ریاست جمهوری، ایسسی گشاکش و رقابت، میان "حزب جمهوری اسلامی" و "نهضت آزادی" در جریان بود و پس از وی که رأی بدین صدر، این گشاکش و شکل رقابت میان جناح بنی مودر که عملاً "نهضت آزادی" را نیز همراه خود دارد "حزب جمهوری اسلامی" اولویت یافته و در عرصه ها و زمینه های گوناگون بظهور رسیده است.

ما در گذشته درباره ایسسی دو جریان که بنام های "لیبرالیستی" و "انحصار طلبی" مشخص شده بودند هشدار داده ایم و خواطرشان ساختن یک شبهه های انقلابی و مردمی به هیچ رو نباید ما این دسته بندیها و رقابت های شوم بیامیختند و انقلاب را غسده ای مطامع این گروه بندی ها گردانند. این دو جریان علی رغم وجود اختلافات علی رغم انگیزه ها و شیوه های گوناگون علی رغم تنگنا گاه های و پستگاه های مختلف، هیچ یک به نفع انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی حرکت نکرده، در بهترین حالتش خفه کردن ایسسی

بی حمایت کردن و از جوش و خروش انداختن این رادیکال ها، با انحصار طلبان و روحانیون قشری دست بیگی کرده باشد.

ما شیراین سیاست را بر ما هدایت خلق و اخیراً چریکیهای فدائی به وضوح میتوان دید، که چگونه انسان برای با صلاح تضمین آزادی ها و منفرد ساختن "ارتجاع" گام در راه چینه بندی بنفخ یک جناح در برابر جناح دیگر میگذارند.

آنگونه که از برخی مناظره های تلویزیونی، دعوت ها و گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه و اخیراً هم "میز - گردوحدت" نشریه اطلاعات بر میآید، این نوع تمایل به چینه بندی در میان دو جریان بجا هدین و چریک های فدائی، که نشان دهنده یک تمایل عمومی در صفوف دانشجویان و روشنفکران رادیکال و جنبش آنهاست، کاملاً ملاحظه میشود. در میزگرد یاد شده که هشت گروه دیگر همها هنگی همکاری - های مردم پارسی جمهوری، نهضت آزادی، جنبه ملی، جا ما، حزب ملیست ایران، حزب شده و دوسال زمان بسیار شده شرکت داشتند، ظاهراً بحث بر سر ایجاد وحدت و هماهنگی در برابر امپریالیست بوده است. تمام بحث این هشت گروه درباره بوجود آوردن یک نوع آشتی و همکاری میان "نیروها" است، که از قرار مسائل این مرحله از انقلاب و ایجاد آشتی و وحدت در میان مردم های مردم کشور را از طریق آنها حل و فصل خواهد کرد. ترکیب این چینه بندی نشان میدهد که چه نیروهای حاضرند چه نیروهای در کنار هم بنشینند و درباره سر نوشت انقلاب این مردم وارد بحث و مناظره شوند. چه نیروهای ترکیبی اردنجات خود را بکنسوان اشاعه مردم علیه امپریالیست طلبی میکنند و این نیروها چه برداشتی از وحدت ضد امپریالیستی و میان این وحدت دارند، در اینجا چریک و مجاهد و جامائی در کنار اعمال شوروی یعنی حزب مزدور توده و جریانی نیمه - کمپرادوری و تمایل به آمریکا مانند جنبه ملی (اگر حزب ایران که چریکی اصلی از جنبه است در نظر گرفته شود با بدگفت خواهان آمریکا) بطل هم نشسته و درباره چگونگی تشکیل جنبه ای از خلق و یک نوع هماهنگی برای مقابله با خطراتی که انقلاب را تهدید میکند، گفتگو میکنند! آیا سبب جلب توجه و خنده آوری نیست؟! ما - هدین و چریکیها در اینجا نه تنها دنیا - له روی خود را از نظر تفکرهای لیبرال - لی، که امروز بنی صدر تشویق و ترغیب

میکند، بروز میدهند و وعده ها را میدهند چه نیروهای حاضرند یا آنها کنسار بیایند و آنها را بسوی خود جلب کنند، بلکه در مصاف میان این قدرت های امپریالیستی آمریکا و شوروی بر اساسی مهم نیست اگر با مزدوران یک طرفه گفتگو درباره جنبه "خلیقی" بپردازند.

هدف بنی صدر و او دارانش از دامین زدن باین نشست های "هنگانی" و روحیات آشتی جویانه در میان جریا نهایی اسلامی و غیر اسلامی ای که بطور عمده در میان قشر روشنفکران به دارند، با نشین آوردن روحیه انقلابی، گرفتن جنبه رزمنده کی موجود در جنبش جوانان و روشنفکران کشور، منسجم گردانیدن جریا نهایی انقلابی در میان کارگران و خرده بورژوازی و بیگ کلام تبدیل جوانان انقلابی و پر جوش و خروش که از بائین ما به میگیرند بیک جو رفیق میستی و پارلمانتاریستی که از بالا کنترل میشود است. سیاست "بجست آزاد" بنی صدر نشان میدهد گروه - های که با صلاح مطرح دارای ورتنه اجتماع هستند، از مذهبی مناصب تا بسبب اصطلاح ما رکیست نوع چریک و سیاست جریانی چون جنبه ملی در کنار ما - هدین در پشت میزگردهای رسمی و غیر رسمی، با بیای سیاست اعمال فشار و حتی انداختن ارتش بحال گروه های انقلابی بیرون حریف بنی صدر است: دست از تشییع مردم بردارید و بیایدید، کنترل سیاسی بردارید و به پارلمانتاریسم کنترل شده بپردازید و جنبه مازی از "نیروها" رعایت دهید! لیکن هیچ بعید نیست که همین بورژوازی مشتاق بحث و پارلمان به مجرد آنکه ببینند مجلسی مخالفی از رای خود میباید یا ارتش دست بیگی کند و در همین مجلس را هم ببینند.

انقلابیون ایران با بسندار افتادن بدام سیاست های لیبرالی و جنبه بندی بر اساس دو گروه بنسندی لیبرالی - امتیاز طلبی موجود حذر کنند. سیاست پرولتری مفا را نشی جدا گانه ای را، که بر اساس تحلیلی طبقاتی از جامعه و نیروهای سیاسی و درک درستی از تضادهای اصلی جامعه و موقعیت بین المللی کشور ما میبندد است، طلب میکند؛ و لیذا کمونیست ها هیچگاه نمیتوانند به جنبه بندی های تن دهنده عملاً بر اساس تضادهای فرعی و منافع لحظه ای بوجود میاید. این جنبه بندی ها مفا انقلاب و ضد (بقیه در صفحه ۴۸)

حقیقت

هدا ز به انقلابیون و همه مردم ایران

بقیه از صفحه اول

نشسته و نا غل در کار تدارک یک رشته توطئه های بزرگ هستند و با جناحهای ضد انقلاب در اروپا و آمریکا و جاسوسان آمریکا و انگلیس در تماس دائمی بسر میبرند. سران برخی عساکر بویژه در مناطق بختیاری، بلوچ

سرری دست حکومت های دستا ننداده خود در منطقه. ۳- ایجاد چند دستگی در صف مردم و بر راه انداختن اغتشاشات و بلوا های شدید داخلی.

البته فعلا بطول شدت رقابت بین المللی دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی احتمال کنار آمدن آمریکا و شوروی برای اقدام مشترک علیه انقلاب ایران کم است، اما امید نیست. اگر بریده و بسته آنها و سنا ملاتی بر سر ایران صورت گیرد، که در این صورت پای هر دو انقلاب ایران و افغانستان به میان کشیده خواهد شد، چه با انقلاب مانا گهان بادشمن نیرومندی از درون خود روبرو شده و جریان انجا مینگ کودتای امپریالیستی میتواند با انواع عوا مریبی های سرگچه و رهبره شود. و لسی در حالت عادی اگر ما زنی هم صورت نگیرد، مداخله آشکارا بر قدرت آمریکا قطعاً مداخله خیره برانه ابر قدرت دیگر را نیز به همراه خواهد داشت و یا ممکن است در این صورت یک جنگ داخلی است.

ارتجاعی بر کشور ما تحمیل شود و کسل انقلاب و کشور در خطر سقوط و نابودی قرار گیرد. بهر حال حفظ استقلال کامل و بی چون و چرا از رقابتها و کشا کهای ابر قدرتها با بهای حفظ هویشاری کامل در برابر دسیسه های مشترک احتمالی آنها برای جنبش انقلابی مردم ما اهمیت آکیدی دارد و باید دقیقاً مراقب حرکتها و مانورهای هر دو حریف بود.

ما با ردیگر تا کیده می کنیم که باید فوراً بهای سرکوب توده ای منابع اصلی کودتا در داخل کشور رفت و بدین منظور بوضع نقاط زیر فوراً باید رسیدگی کرد:

- ۱- قوای سه گانه هوایی، دریایی و زمینی کشور قطعاً هسته اصلی تدارک کودتا در کشور بوده و هسته های ضد انقلابی و توطئه گرد در میان امرای فرماندهان ارتش شکل گرفته است. از همین منبع سلاحهای زیادی برای تجهیز گروههای ضد انقلابی وابسته ردوبدل میشود. همچنین شخص در میان سربازان و درجه داران ارتش فکر کودتا القاء میشود و حتی به افکار شاه پرستی در ارتش دامن زده میشود. باید فوراً این ارتش با زمام بسته از رژیم شاهنشاهی را منحل اعلام کرد و به کشف و شناسایی هسته های ضد انقلابی و کانونهای توطئه در میان امرای افسران وابسته می گانسه برخاست و سر حلقه داران اصلی را

اعدام نمود. بجای آن فوراً و بشکل سازمان یافته ای باید تمامی جوانان کشور مسلح شده و ارتش نوینی به سرماندهی انقلابیون و در پیوند با توده های مسلح خلق سازماندهی شود.

۲- کانونهای توطئه و گروههای ضربتی مسلح در میان جوانین عساکر و فساد آنها، ثروتمندان عمده و طبقه مرفه شهری در بسیاری نقاط وجود دارد و میان این کانونها و گروهها با جبهه های ضد انقلاب در خا رجه مانند بختیاری و نریزه و آریسی و دیگران تماس و مراوده دائمی برقرار است. نوار و نامه و وسایف را در دست می شود (از جمله ارسال پیام رمز توسط رادیوهای وابسته به آمریکا و سوکری انش) و نقشه بلوا را حیثاً نظاً مراتب ساختگی ریخته میگرد. باید فوراً به هرگونه انتفاع اقتصادی و قدرت و مقام این افسار مرتجع درجا معس و همدستان آنها در دولت و دستگاه و هم چنین در برخی احزاب با مطلع لیبرال وابسته به آنها، که به تدارک جوسیا سی لازم و ایجاد شرایط ذهنی بفسخ اربابان نشان مغفولند، پایان داد، کانونهای آنها را شناسایی و سرکوب کرد و یک نوع افشاکاری وسیع برای تهیج مردم علیه آنها بر راه انداخت.

۳- شبکه های مخفی ساواک و جاسوسان بیگانه در ادارات دولتی و کمیته ها و سایر مراکز حساس کشور را قطعاً به حضور خود ادامه داده و خود را سازمان داده اند. همچنین گروههای خرابکاری متشکل از اعضای ساواک، جاسوسان و عناصر وابسته به آمریکا تشکیل گردیده است، که به عملیات

بمب گذاری، قتل و غارت و تولید رعب و وحشت درجا معس مشغول میباشند. ساواکیها از هر فرصتی برای دامنه زدن به درگیری های میان گروههای مختلف و بر راه انداختن زدوخورد در تظاهراتها و راهپیمایها استفاده کرده و اغلب فریبکارانه با نقاب مذهب به میدان می آیند. هم اکنون رفت و آمدهای زیادی میان داخل و خارج از کشور برای ارتسباط دادن عمل ساواک با محافل ضد انقلاب در مصر و اروپا صورت میگیرد، که بخشی از آن برعهده باصطلاح "جهانگردان" و "خبرنگاران" خارجی است. باید فوراً افشای اسامی تمامی اعضای ساواک و شناسایی دستگیری آنها و همچنین اتباع خارجی که برای حاسوسی و توطئه گیری آمده اند، پرداخت و از آزادی ساواکیها و عوام مل رژیم سابق از زندانها جلوه گرفت.

بقیه در صفحه ۴

مشغول بهم ریختن جبهه داخلی انقلاب و مغالزه با منابع اصلی ضد انقلاب و رکن اصلی هر کودتای در کشور یعنی ارتش و فرماندهان توطئه گر آن میباشند. آنها از سوئی به جنگ نا خواسته وید فرجا مدرک درستان ادامه میدهند و به گسیل ارتش برای سرکوب و کشتار مردم بر میخیزند، و از سوئی دیگر با دامنه زدن به تضادهای فرعی و تحمیل جبهه بندی های انحرافی به توده ها، که میدان به عملگرا مپرس یا لیسم و عوا ملش میدهد، هرگونه هو شیاری ملی را درهم میکوبند. از سوی سوم به مدد اقدامات خواب کننده محافل سازشکار لیبرال میدان جوش و خروش انقلابی و روی آوری مشتافانه توده ها برای ایجاد آماج دگی های سیاسی و نظامی و متشکل و انجام جایی خود را به محیط بحث و مناظره و حرافسی و نشست و برخاست های پارلمان نشانریستی "نیروها" و "فلا" میدهد. امثال رهبران حزب جمهوری آنقدر عطش جاه طلبی و قشری مسلکی وجودشان را انباشته و به انواع فساد، جنایت علیه انقلابیون و بلوا و عملیات ضد آزادی روی آورده اند که هر کس در باره مقاصد آنان مشکوک میشود، وبدون شک حداقل جناحی از ایشان دارای تمایلات کودتا گرانده بوده و چه بسا در جریان انجا میک کودتای آمریکا بی شرکت کنند. مردم باید از خود بیبرسند که آیا نقشها و عملگرسرد فتنه سازان حزب و دسته های چاق دار آن، و بخصوص بر نامه بلوا نشی که از قرا معلوم رهبران حزب جمهوری برای پانزدهم خرداد امسال در سر دارند، به چه وجه خدمت میکنند و میدان را برای ورود چه کسانی آب و جواروب مینماید؟!

ما به همگان هدا میدهم که انقلاب ایران جدأ در خطر است و خطر یک کودتای وحشیانه آمریکا بی تمامی کشور را در آتیه ای نه چند سال دور تهدید میکند. تدارک اجسرای عملی این کودتا از هم اکنون آغاز و از سر فرماندهی و اشنگتن هدا بیست میشود. هم اکنون فرماندهان ارتش و هسته های ضد انقلابی افسران باز

- ۱- تندید محاصره اقتصادی ایران.
- ۲- بر راه انداختن جنگهای

درود بر شهدای پرسنل مبارز نظامی که جان دادند و بروی خلق خود اسلحه نکشیدند

"دا دگاها انقلاب اسلامی ویژه نظامی و فرماندهان آمریکایی ارتش، پرسنل مبارز را به "تمرد" و "تحریک و اغتشاش" متهم کرده اند. ممانعت از کشتار مردم "تمرد" است و افشای سران آمریکایی ارتش "تحریک و اغتشاش"! اینست منطق ارتجاعی سران مزدور ارتش!

اصلی مردم ما، امپریالیسم آمریکا، به حمایت از فرزندان ارتشی خود، که در پیگرد فرماندهان مزدور آمریکایی هستند و بسیاری از آنها در زندان و در انتظار محاکمه و اعدام به سر میبرند، برخیزد.

درود بر سربازان و پرسنل مبارز و انقلابی ارتش مرگ بر فرماندهان مزدور و آمریکایی ارتش

افشای سران آمریکایی ارتش "تحریک و اغتشاش" این است منطق ارتجاعی سران مزدور ارتش.

این اعدامها علاوه بر کوشش جهت برقراری نظم ارتجاعی "اطلاعت کورگورانه" در ارتش، هدف دیگری را نیز در شرایط حساس کنونی دنبال میکنند و آن "پاکسازی" ارتش از همه سربازان و پرسنل مبارز و آزادیخواه به منظور آماده ساختن شرایط برای یک کودتای خونین آمریکایی است.

میخواهند تمام موانع را از سر راه بردارند و یکی از این موانع وجود سربازان و پرسنل مبارز و مترقی است. سران مزدور ارتش در جریان عملیات نافرجام تهاجم ارتش آمریکا و بدنبال افشاکاری همافران و پرسنل مبارز ارتش، دریا فتند که تا زمانی که چنین نیروهای در ارتش باشند، کاریک کودتا با مشکلاتی مواجه خواهد شد و در نتیجه امروز میکوشند تا این موانع را از سر راه خود ببردند.

مردم آزادیخواه ایران، سربازان و پرسنل مبارز، بهوش باشید! فرماندهان مزدور آمریکا بی ارتش، دست در دست اربابان امپریالیست خود در تدارک یک توطئه بزرگ بر علیه انقلاب ما هستند. در مبارزه علیه این توطئه بزرگ و دشمن

محاکمه اند و فرماندهان مزدور ارتش به منظور هر چه چشم گرفتن از سایر سربازان مبارز ارتش در مدتها با محاکمه و مجازات سنگین اینان "نمونه" بیایند.

آنها ما این سربازان و پرسنل ارتش چه بوده است؟ آنها مآذنان "تمرد در انجام ما موریت"، "عدم اجرای ما موریت" و "تحریک پرسنل" بوده است. اما تمرد در انجام کدام ما موریت؟ عدم اجرای کدام ما موریت، تحریک به انجام چه کاری؟ اینها فرماندهان مزدور آمریکا نسی ارتش و "دا دگاها انقلاب اسلامی ویژه نظامی" به مردم نگفته اند. آنها به مردم نمی گویند که همافران و پرسنل و سربازان مبارز، که در قیام بهمن ماه ۷۷ و مبارزه مسلحانه برای واژگونی سلطنت پیشتاز بوده اند، حاضر نگشته اند که به منظور کشتار هم وطنان رنج دیده خود به کردستان عزیمت کنند و دست خود را به خون خلق کرده آلوده نمایند. ما موریتی که آنها در انجامش "تمرد" کردند، ما موریت کشتار رویمباران مردم کردستان بود. آنها علاوه بر این در ارتش با ما هیت وابسته سران آمریکایی ارتش دست به افشاکاری زده، بدرستی از همگاری اینان با نیروهای تجاوز گز آمریکا بی پرده برداشتند. ممانعت از کشتار مردم، "تمرد" است و

همزمان با پیورش ارتجاعی

ارتش و پاسداران به کردستان و هم زمان با تهاجم امپریالیسم آمریکا که با مشارکت و همدستی سران آمریکایی ارتش صورت گرفت، فرماندهان مزدور ارتش زیر لوای "پاسداری از خون شهیدان"، دست به تصفیه ضد انقلابی و خونین ارتش زده، سربازان و پرسنل مبارز و آزادیخواه ارتش را دستگیر و محاکمه و اعدام کرده اند.

در تهران ۴ نفر خلبان آزادیخواهی که حاضر نبودند بروی هوطنان کرد خود بمب بریزند، محاکمه و اعدام شدند. در همین ۱۵ نفر از پرسنل مبارز و آزادیخواه "تمرد" و "تحریک و اغتشاش"، "عدم انجام ما موریت" محاکمه و ستوانیار سوم منصور حاج قاسمی به اعدام محکوم و ستوانیار غلامرضا سربندی به حبس دائم، ستوان دوم خلبان عباس شریفی به ۱۰ سال زندان، ستوانیار عزت الله جوادپور به ۱۰ سال زندان و ۳ تن دیگر به زندانهای مختلف محکوم گردیدند. حکم اعدام منصور حاج قاسمی با جراد آرمادو این همافران رزیم شاهادت رسید. علاوه بر این، طبق اخبار واصله گروه زیادی از سربازان و پرسنلی که حاضر نبوده اند به جنگ با برادران و خواهران کرده خود بروند و در این جنایت بزرگ سهیم شوند، اینک زندانی بوده و در شهرهای تبریز، همدان و تهران در انتظار

بقیه در صفحه ۴

ملی و ضد ملی، را مخدوش میکنند و به جبهه واقعی و ضروری مبارزه متحدانه مردم ما بر علیه امپریالیسم و ارتجاع فریب میزنند.

ضروریات و هدایت فدا امپریالیستی ملت ما حکم میکنند که جبهه ای بر اساس مرزبندی روشن و صریح باد و ستورین اردوگاه امپریالیستی آمریکا و شوروی و اعمال و همدستان داخلی آنها، و نه با

عوامل و همدستان بیکی بر علیه دیگری، بوجود آید. این ضروریات حکم میکنند که جبهه بر اساس تاسین منافع حیاتی و عاجل کارگران و دهقانان ایران، که سازشکاران و لیبرالها سخت با آن بیگانه اند بوجود آید، و نه بانبروهائی که درصدد تشکیل جبهه های بر علیه اداها انقلاب و به منظور سازش باشند.

انگلستان و احیاناً آلمان غربی (همچنین در صورت سازش احتمالی ابرقدرتها و با مداخله روس در برابر آمریکا با ایده حساب سفارتخانه های شوروی و همدستانش نیز رسیدگی شود) این ۵ منبع اصلی کودتایخیز، که همه زیر چتر آمریکا قرار دارند، همچون ۵ انگشت دست امپریالیسم جنایتکار و فرورفته در شکم انقلاب ما هستند و مردم ممکن است این شکم را پاره کنند. مردم ایران باید بیجا-خیزند و

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

هشدار به ...

بقیه از صفحه ۴

است و با مستقیماً از این کارها سود میبرند. با بدبلاستقرا اصول دسر- کراسی و آزادی، کدیگانهضامن حفظ وحدت مردم سرا سرکشور و نبرد متحدانه و هوشیارانه همه توده های ملت بسا

این پنج انگشت نابکار دشمن را قطع کنند و در این راه هیچگونه وقعی به نمایح سازشکاران و سیاست بازان حاکم، که بدون شک یک جناح از ایشان با کودتا چنان آتی همدستی داشته و با همدستی خواهند کرد، نگذارند. این وظیفه تخطی ناپذیری برای خنثی ساختن تدارک عملی کودتا و از میان برداشتن شرایط حادثه قبل از حدوث آنست. بگذار تا تمامی جناحها و محافل سازشکار و اجزایی که در فکر و ذکر انحراف نظرس بوده و انحصار قدرت بشفیع امیال پست طبقاتی و قشری خود هستند، خود را در برابر این حرکت انقلابی توده ها رسوا و انگشت نما گردانند، و در این میان نقاب از چهره اعمال ما سکدار بیگانه نیز برداشته شود.

دشمن مشترک امپریالیستی است، با فشاری گرد و با دشمنان آزادی مقابله ای سخت نشان داد. ما در اینجا به همه کمونیستهای ایران این ضرورت عاجل را گوشزد میکنیم که به شرایط حساس کنونی توجه کرده فوراً صفوف خود را از خطوط و نظرات انحرافی و حیثاناجملان لجوج آنها پاک کنند و در یک تشکیلات واحد متحد شوند. ما قویا هشدار میدیم که در صورت ادامه پراکندگی موجود در جنبش کمونیستی و همچنین در صورت ادامه حاکمیت نظرات انحرافی چپ نما یا نه و در صفوف راست، که به مسائل ایلی و شرایط حساس فوری کشور درجه آمادگی و تشکل نیروهای پرولتری جامعه ما توجه نداشته به اشواغ مشغولیت های اگوتومیستی، با زبیهای ماجراجو- با نه در زمینه تضادهای فرعی و ثانوی تسکیم می دهد، ... در صورت ادامه این وضع کار جنبش انقلابی ما زار خواهد شد و پرچم آزادی و انقلاب مردم ما، بی آنکه امکان استقرار آن درست توانای طبقه کارگر را هم شود، سرنگون خواهد گشت. با بسد کمونیستهای ایران بویژه در ماها و بلکه فته های آینه ها بوشیاری کامل به وقایع و حوادثی که روی می دهد برخورد کنند، اوضاع را در مجموع در نظر گیرند، ضمن توجه به روندهای عمومی به مسائل ویژه فوری نیز توجه کنند و مواظب باشند حساب به هر معرکه مشکوکی کشیده نشوند. ضمناً با بیدار لحاظ تشکیلاتی آمادگی خود را سریعاً ارتقا داده و بیدارنگ برای وحدت جنبش کمونیستی یک ستاد واحد اقدام کنند، به انحرافات فرقه گرانه، نیمه تر و تسکیمتی و همچنین تمایلات سازشکاری با رویز- یونیسم در صفوف جنبشمان پایان دهند و آماده شوند که در آن سربج های تاریخی که هر زمان ممکن است پیش آید به وظیفه انقلابی- تاریخی خود عمل کنند. ما کمونیستهای ایران بیدارنگ که با شادگردان حیدرخان عموی اوغلی هستیم و پس راه صحیح انقلاب کردن را در پیش خواهم گرفت و بسا

مبارزه دهقانان جوزدانی و ...

شیخ حسن ابراهیمی ونادی به حمل آمدند تا با وعده و وعیدهای توخالی دوباره دهقانان را از کاری که انجام داده اند تذبذب زارند. یکی از سردم ده دریاخ شیخ ابراهیمی نما بیننده آیت اله منتظری که تقاضای ۱۵ روز وقت جهت رسیدگی به ساله میکسرد گفت " ۱۴ ماه ما به حرف شما گسوسش دادیم ده روز شما به حرف ما گوش کنیند" یکی دیگر از دهقانان گفت " شما هم میخواید سر ما گلازه بگذارید". دهقان دیگری اظهار داشت " مگر شما نمیگویند که ما طرفدار مستضعفین هستیم؟" ابراهیمی پاسخ داد " بلی" دهقان گفت " پس چرا از اینکه ما مستضعف ها که همگی اینجا نشسته ایم و حقمان را میخوایم با بیدرویم". دهقانان که با ۱۴ ماه دوندگی نتوانسته بودند موانع را از جلو پایشان بردارند اینک با یک یورش یگروزشان توانسته بودند چنان رعب و وحشتی در دل ایاندی بنیاد دوا بزار سرکوب دولست بسنداز زندک زباز از گشتن آن قاصر است. دهقانان بیان میداشتند که حاضریم کشته شویم ولی از اینجا بیرون نمیرویم" ویا " مگر چه چیز ما کختر از کردستان است بذار ما هم ده روزی اینجا را کرده ستان کنیم".

تداوم انقلاب در نبرد با آمریکاست کارگران هر گونه سازش با امپریالیسم را محکوم میکنند

با کمکهای مالی خود ما را یاری کنید

آنها که میگویند «شورا، پورا! مالیده است» هوادار

سرمایه دارانند در تکبیر و پخت حقیقت ما را یاری دهید

نما بیننده منتظری که خود را در مقابل اراده آهنگین مردمنا تسوان میدید اعلام داشت تا مردم چند نفر نما بیننده جهت مذاکره معرفی نما بینند. طی جلسه ای که با شرکت ده نفر از نما بینندگان دهقانان، ابراهیمی، نادی و صفری تشکیل گردید صورتجلسه ای به امضا رسید که بر اساس آن قرار شد دهقانان زیر نظر شورای ده نفره مردمی، تا روشن شدن تکلیف زمین از طرف کمیسیون هفت نفره دولت، امور مزرعه را بعهده گرفته و زمینهای را که تا بحال کشت نشده بزرگشت آورند. در ضمن زمینهای کشت شده توسط بنیاد را نیز تا تعیین تکلیف از طرف کمیسیون هفت نفره خود دهقانان آبیاری نمایند.

از همان شب حدود ۹۰ نفر از دهقانان به تنگبانی مزرعه مشغول بهمان بیراهه های ابلهانه ای خوا- هیما افتاد که مثال سلطانزاده ها، آقاییها و نظائر هیران حزب توده نسلی از کمونیستهای انقلاب- بیون پرولتری کشور ما را به بساد فنا دادند.

نکاتی درباره مجلس اول شورا

وارد مهنه گردد. " نهضت آزادی" که قبل از این انتخابات دچار انشعاب شده بود و گروه‌های مختلفی از آن جدا گشته بودند، به منظور حفظ " یکپارچگی" خود، نه‌زیر عنوان " نهضت آزادی"

بلکه زیر عنوان " همنام" و بسا در برداشتن همه جناح‌های خود که دیگر در یک تشکیلات واحد سیاسی نمی‌گنجدند و وارد مهنه شد و در بسیاری موارد دست در دست جناح هوادار بنی‌صدر عمل نمود.

اینکه این دو دسته بنی‌سای یکدیگر هماهنگی پیدا کرده‌اند، ناشی از تفاهت میان دو جناح بنی‌صدر است. جناح " حزب جمهوری اسلامی" و وحدت نظر میان بنی‌صدر و یارگان در این عرصه بوده، بیانگر شکل‌گیری همان دو دسته بنی‌صدر معروف میان " لیبرال‌ها" و " انحصار طلبان" در میان محافل حاکم می‌باشد.

دسته بنی‌صدر و هوادار این مجلس نمایندگان مخفوق‌گمانی چگونگی سامی، محمد منتظری، حجت‌السلام امین‌نصف‌آبادی، رضا امین‌نسی، مجتهد شستری، حجت‌السلام محمد جواد کرمانی و امثالهم تشکیل می‌دهد که علیرغم قرار داشتنشان در لیست دو دسته بنی‌صدر یا دسته، از لحاظ سیاسی موقعیتی جداگانه داشته و طیفی از نیروهای مبارز و مترقی را شامل می‌باشد.

این مجلس مهنه گشاکش میان این دسته بنی‌صدر و گشاکش میان نیروهای شرکت‌کننده در هر دو دسته بنی‌صدر خواهد بود و مطمئناً بر تحولات این کشور مبرخود را خواهد گوید. از این دسته بنی‌صدر که بگذریم، در این

مجلس رضاخان‌های جدیدی چون مدنی و امثالهم نیز حضور دارند که علیرغم کمیت ناچیزشان به سبب شرایط حساس کنونی، قادر خواهند بود با دسته بنی‌صدر و مانور، این مجلس را به بازی بگیرند.

مجلس اول جمهوری اسلامی، مجلسی سخت‌گنده و بی‌ثبات است و در شرایط مبارزه حاد ملی و طبقاتی جاری در کشور، دستخوش تغییرات وافت و خیزهای زیادی خواهد شد. این مجلس، به عبث خواهد گشودند تا در جریان توفان عظیم مبارزه و انقلاب جاری در کشور، نقش یک جزیره‌ای بی‌ثبات را ایفا کند. سرنوشت انقلاب جاری در کشور ما هنوز تعیین نشده و

موقعیت‌ها موقتی اند و همه‌انسان‌ها بی‌استداز مبارزه بزرگتری که در عرصه جامعه ما در راه ادامه انقلاب و در تبرعلیه امپریالیسم در جریان است. اینرا ما نه بعنوان یک حکم دراز مدت و تاریخی، بلکه بعنوان نتیجه‌گیری از شرایط و موقعیت مشخص جامعه ما می‌گوئیم و حوادث و تحولات آتی مطمئناً بر این گفته مبر تا شید خواهد نهاد.

" حزب جمهوری اسلامی" و نیروهای هم‌پیمان و طرفدار روی، کوشیدند تا به هر قیمت که شده، جلوی ورود نیروهای انقلابی را بسد درون این مجلس بگیرند و اکثریت گرسی‌ها را به نفع خود غصب نمایند و اکنون نیز سر مست از این پیروزی می‌باشند. آنها گمان می‌کنند که سرنوشت سیر آتی کشور و انقلاب ما را رأی‌های مجلس و گفتگوهای پارلمانی تعیین خواهد کرد و از این رو کار را تمام شده قلمداد می‌کنند و می‌خواهند تا همه چیز " هماهنگ" با نظرات این اکثریت باشد. اما اکثریت این مجلس نمانده، اکثریت مردم ایران نیست و گرچه توانسته است با تقلب و ریاکاری و سوءاستفاده از اعتماد مردم به مراجع مذهبی‌شان، رأی اکثریت را از صندوق‌های خویش خارج سازد، اما از آنجا که خود چیزی مگر نمایندگان لایه‌های ناچیز و کوچکی از محافل سیاسی بورژواکی متعصب و قشری مذهبی نیستند و نمی‌توانند سیاست‌نگر منافع اکثریت مردم باشند و نتوانند که در برابر خواسته‌ها و مطالبات این اکثریت بیت‌قرار گرفته، کنار زده خواهند شد. سرنوشت انقلاب از صندوق‌های رای بیرون نمی‌آید. گوره انقلاب و مبارزه ملی و طبقاتی داغ تراز آن است که ورته‌های رأی و ترغده‌های قدرت تحمل حرارتش را داشته باشند.

آنها می‌توانند که گمان می‌کنند خواهند توانست این سرنوشت را در دالانهای مجلس شورا و بر سر میزهای چک و چانه زنی‌هایشان تعیین نمایند، بزودی درخواهند یافت که نیروی انقلاب قوی تر و کوبنده تر از آنست که بتواند در کرسی‌های مجلس مهارش ساخت. سرنوشت این انقلاب نه در این مجلس، بلکه خارج از آن و در مبارزه و گشاکش عظیم ملی و طبقاتی جاری تعیین خواهد شد.

انقلاب هنوز پایان نیافته و مپا رنشته است و آن " نمایندگان" که بر اثری‌های میلیونی مینازند، بزودی درخواهند یافت که " مزلتان" در تعیین سرنوشت خویش، چشم به آنها ندورخته و بلکه سیری دیگسرا خواهند پیچید. مجلسی که در شرایط ادا به ورشده انقلاب می‌خواهد ادا ی پایان یا شکست آنرا درآورد و این سبیل خروشان را به مجرای پارلمان تا ریسم‌گازب بکشانند و بگردگرسی‌های با تقلب و ریاکاری بدست آسند، می‌خکوب سازد، سرنوشتی جز بی‌ثباتی نخواهد داشت. مسئله قدرت سیاسی هنوز در کشور ما حل نشده و تثبیت نیافتست و سرنوشت این مجلس نیز در گرو سرنوشت آن خواهد بود. بی‌ثباتی این قدرت سیاسی، که انکاس خود را در بی‌ثباتی مجلس نیز خواهد یافت، تحت تا شیرمبارزه درونی آن و میان نیروهای شریک در آن و تحت تا شیر مبارزه از سوی توده‌های مردم بوده، تابع تغییر و تحولات در این دو عرصه و ارتباط میان این دو عرصه است. هیچ چیز تثبیت نشده و همه چیز شکننده است. وحدت‌ها، اعتمادها و

حقیقت

ارگان اتحادیه

کمونیستهای ایران

را بخوانید و پخش کنید

حقیقت

سنندج فتح ناشدنی...

بسمه ارحمه اول

آنها با افتخار تمام از این "دستگاه" حرف میزنند و به خود میبالند و از یکدیگر ستکر میکنند. افتخار برای چه، برای گشتار مردم سنندج، شکر برای چه، برای مبارزان مردم زحمتکش و آزاد بخوان سنندج. "فتح" سنندج افتخار نیست، شگ است و بدنامی. آنها نیکه امروز در سخن رانی های برسرو و دایان در نمازهای جمعه و دیگر مجامع، از این "افتخار" برخوردارند، دستهای آغشته به خونشان را مجبورند بپنهان کنند تا مردم چهره واقعی این جلادان سر مست از خون انسان را نشانند. آقایان! دستهای خونین تان را به مردم نشان دهید! لکه های خون زمان، سردان و کودکان بیگناهی که بر سرگیبار خیابانها و راکت های شامه هلاکت رسیده اند را به مردم نشان دهید. قدری صدای بلندگوها بپتان را کم کنید تا مردم ما در این تبلیغات ریاکارانه، ضجه های کودکان یتیم، زنان بیوه و پدران و مادران عزادار را هم بشنوند. دوربین های تلویزیونتان را قدری از روی چهره های ریاکارانه نشان سردارید تا مردم ما خیابانهای سنندج را هم ببینند و آثار رنجناک شما را مشاهده کنند. آنچه شما پس از پیش از سه هفته آفریدید، افتخار نیست، شگ است و بدنامی. افتخار از آن مردم دلاور و از آن جوان گذشته است که پیش از سه هفته، در برابر رشیدترین حملات و بمبارانهای هوایی و زمینی، محاصره، اقتصادی، قحطی، نبود دارو و پزشکی و غذا مقاومت کردند. افتخار از آن مادری است که شوهر و فرزندش را انفجار خمپاره های شامه خاک بکشان میکند و او خون شوهر و فرزندان گوی چکش را بر چامه مپاره و مفاصلت می نماید، افتخار از آن مجروحانی است که با بدن های مثله شده، با پاره های گلوله و خمپاره در تن، بی مسکن و دوا، تحمل کربند و لب بیسک شگایت نگشودند، افتخار از آن پیش مرگه های قهرمانی است که با وجود برتری نظامی و فنی ارتش شما، بیش از سه هفته آنرا میخکوب کردند و دست

آخر نیز بمظور جلو گیری از گشتار هر چه بیشتر مردم میدان فاع سنندج، با قلبی آغشته از آنده شهیدان و عزم ادامه مبارزه، این سنگ را ترک کرده و به سنگهای دیگر عقب نشستند. انصار و آزادیخواهان و جوانان و ارجان کدخدایان کدبیر رکنار گلوله، برادران و خواهران مجروح خود را حمل کرده، به مردم سی دفاع آذوقه و دارو کمک می رسانند. افتخار از آن مردم قهرمان و مقاوم سنندج است نه تنها، آنکه در این جنگ تحمیلی افتخار و سر بلندی آفرید، سنندج و مردم قهرمانش بود، نه شما. پیروزی از آن آنهاست و نه شما.

پس از بیش سه هفته محاصره و بمباران، بیشرگه ها تصمیم به تخلیه شهر میگیرند و با نقشه و برنامه حساب شده ای شهر را ترک مینمایند و سوی جبهه های دیگر و سنگرهای دیگر رهسپار میشوند. آقایان! در سنندج هیچکس به شما خوش آمد نخواهد گفت، حتی سنگهای و لگدهای پدیدار شده با بفرار میگذرانند. هیچکس به جلادهای خوش آمد نمیگوید. در هیچ خانه ای به روی شما گشوده نخواهد شد و هیچ دسته گلی به شما تقدیم نخواهد شد. آنچه شما "فتح" کردید، مردم و بیشرگه های قهرمان سنندج نبودند و آنچه شما رسید، خرابه ها و بفرین اسدی مردم آزاد بخوان سنندج است و پس بپاشید! سنندج، تسلیم نشده است. مردمی که با پیش از سه هفته بمباران و گشتار شما، چهره تان را بخوبی شناختند و خاواده هایی که در سوگ شهیدان خود و شهیدان سنندج نشسته اند، تسلیم نگشته اند و تسلیم شدنی هم نیستند. سرنوشت جنگها را تسخیر این با آن شهر تعیین نمی کنند سرنوشت جنگها را مردم تعیین میکنند و طوق دلاور گرد، مدت ها است که این سرنوشت را تعیین کرده است. شما یکسال پیش نیز سنندج را "فتح" کردید، شما یکسال پیش نیز چگون امروز، جوانان انقلابی شهر را تیرباران کردید، مزدوران شما یکسال پیش نیز چون امروز پس از ورود به شهر به ناموس مردم دست بپا زدند، درفش "افتخار" شما، یکسال پیش نیز بر فراز شهر سنندج با شتر از درآمد، اما دست بد که سر سوسان جسد. شما یکسال پس از سنندج را "فتح" کردید، اما نادر بد "فتح" مردم سنندج سدید و اسال نیز سرنوشتتان بهتر از ما!

فصل نخواهد بود.

فواره ظلم و ستم جویبندت شود، سرگون خواهد شد، بدانید که آینه سباهی در انتظار شماست. مردم قهرمان سنندج، اینک ریز گلوله مسلسل های پاسداران و ارتش، زخمهای خود را مرهم میکنند، شهیدان شان را به خاک میسپارند، خانه های شان را مرمت میکنند و آماده میشوند تا در قرصی دیگر چون سنندج را زخاکستر خون برون بید و حق خود را بستانند. درود بر سنندج و مردم قهرمانش باد. درود بی پایان بر همه شهیدانی که خونشان سگفرش های سنندج را لگگون کرد و شهراختار را بادی بر سنندج قهرمان کوید. راهشان هموار و پیوسته باد. مردم قهرمان و آزاد بخوان ایران!

ارتش و پاسداران پس از "فتح" سنندج، گشتار را آغاز کرده اند. تعدادی از اسرا را بیدار نگ تیرباران کرده اند و زخمیها را با سارت گرفته، تعدادی از سربازان آگاهی را که حاضر نشده اند به روی هموطنان خود شلیک نمایند تا تیرباران و تعدادی را نیز برای محاکمه نظامی به تهران فرستاده اند. در برابر این جنایات سکوت نکنید، سرخیزید و جلوی این گشتار و جنایات را بگیرید. سرخی از این اسرار است با دگان جمشید به منتقل کرده، با راه ای را به همدان و تبریز فرستاده اند. آزادی بی چون و چرای آنها را طلب کنید و به حمایت خود از ظلمت دلاور گرد، که اینک در پانته، سقزو سا بر شهرهای کردستان در برابر این جنگ تحمیلی قهرمانان نه دفاع می نماید اما مه دهید. فریب تبلیغات مزورانه را نخورید، مسئول این جنگ و این گشتار دولت و سران مزدور ارتش اند و آنها بپند که با بدبه ملت ما حساب پس بدهند. بر خیزید.

عوامل

جند هلیکوپتر در کویر لوت، ما که تان "بیم" آن پیدا میشود که "توانا نشی برای مقابله کمدا ریم" آری جناب رئیس جمهور بد رستی اشاره کرده اند که ارتش که در زمان شاه زمان داده شده املا و ایداتوانانی مقابله با آمریکا را نخواهد داشت، چون که برای مطامع امپریالیسم آمریکا با زمان داده است. حساب رئیس جمهور در نظیر ارتش آنچنان بدستی می تا زندگی "مخترا نه" اعلام میکسند که حتی اگر "ماحای آنها (زادارها) جمع می کردیم آنها (یعنی آمریکا) نمی توانستند احدی را بکشند.

عبور کرد و اگر ما حای آنها را عبور بدیم خود مریبی است. پس آنها می توانستند از راه کویری رد شوند و در آنجا بنشینند "مردم ایران نوجه میکسید جناب رئیس جمهور به شما چه می گوید؟ می گوید ما دگی برای مقابله با امپریالیسم، بیشکیری از ناحیه و تا از آمریکا می ها در ایران "خود مریبی" است چون به صورت آمریکا می ها هر موقع که دلشان بخوابد هدی توانند به ایران بیایند، این چنین اظهار عجزی در مقابل امپریالیسم آمریکا از جناب رئیس جمهور، و این چنین آب نظیری برخیا نش های فرماندهان آمریکا می ارتش باید رنگ خطری برای همه مردم ایران باشد.

اما در مورد کار دیگر ارتش در همین دوران: در همین دوران که آسمانها و دشت های ایران عرصه تاخت و تاز هواپیماها و هلیکوپترها و تفنگ داران دریایی آمریکا بود و فرماندهان ارتش مشغول توطئه چینی وهم دستی با این تجار و زگران بودند، آری در همین دوران هواپیماهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی و خمپاره های ارتش مشغول کوبیدن و ویران ساختن سنندج قهرمان بودند. در اینجا فراموش ما ندان و ارتش از خود "توانا نشی" زایدالوصف و کاکر کشگی شگفت انگیز نشان دادند. بطوریکه جناب بنی صدر را به سپاه گزاری از "شامت" کاروانی و سلحشوری سربازان و نظامیان و پاسداران و ادا ر کرد و "دلیلی" شد برای اینکه ایشان بگویند: "ما این را نمی شود وسیله فرار داد (همدستی با آمریکا منظور است) و گفت که کل ارتش ما روی است با خا سوس. به ارتش بسا ما کاری در کردستان میسکند (همانجا تا کید از ما ست). اینست منطق جناب بنی صدر: ارتش در مقابل آمریکا کار نمی توانست بکند (و نمیخواست و ملامت دست آنهاست) چون ما نتوانستیم ولی در مقابل مردم گرد، جلادی کرد و "توانا" ست و "فداکار" ارتشی که در مقابل امپریالیسم نشان است و در مقابل خلق های ایران توانا، همان ارتش شاه معنای واقعی است. ارتش که در مقابل فدا انقلاب نشان است، همان ارتش دوران شاه است. حال مردم ایران با بدداریا بپند که برستی و بد رستی رابطه ای ملبوس بین جنگ تحمیلی و ضد انقلابی کردستان و تاج و آ آمریکا به ایران موجود بوده می باشد. این رابطه تباری است که در حقیقت برای سرکوب سلاب و با رکود را بدلطه تمام و کمال مجددا امپریالیسم آمریکا

مبارزه دهقانان جوزدانی و "بنیاد مستضعفین"

چا روچنبا ای که سا زنگساران و خدا انقلابیون جا کمپس از بقصدت رسیدن شان در همتا بیت از "مستضعفین" را اهندا خشنه، اگرچه برای انقلابیون چیزی جز فریب و تحمیق توده معضی نمیداد، ولی درک ما هیت چنین تبلیغات از طرف مردم احتیاج به زمان داشت. دولت مردان دست با بجاد ما زمانهای رنگارنگ با عناوین دهن پرکن ما نند "بنیاد مستضعفین"، "بنیاد دسکن" و... زده نند تا با مطلق به درد مردم موعمان مرهمی بگذارند. این سازمانها نه تنها به خواستهای مردم و قومی نگذاشتند بلکه در مسلسل پلای جان آنها شئی شدند که سنگساران را به صحنه میزدند، ما جای رسوا شستی. ما زمانهای یاد شده تا آنجا با لا گرفت که بعضی زهره مداران نیز مجبور شدند "بنیاد مستضعفین" را بنیاد دستگیر بشا مند. نمونه زهریکی از مسزاران نمونه ایست که ما در سرتا سرایران از مملکت در چنین بنیادها شئی شا هدهستیم.

روستای جوزدان با جمعیتی حدود ۷۷۰۰ نفر در جنوب نجف آباد افغان واقع شده است. در کناره این روستا مجموعه زراعتی لورک با مساحتی بیش از ۵۰۰۰۰ جریب (۵۰۰ هکتار) قرار گرفته است. این مزرعه تا قبل از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ در اختیار یکی از بزرگترین فئودالهای افغان بوده است. این بزرگ فئودال کسی جز اصغر میرزا (اصغر مسعود) پسر سارم الدوله (اکبر مسعود) ونوه ظسل السلطان نمیباشد. اصغر میرزا که در منطقه افغان دارای املاک زیادی است برای مدتی آجودان مخصوص شاه مخلوع بوده و هم اکنون در انگلستان در خدمت ارتشهای انگلیسی اش سر میبرد.

اصغر میرزا زمینهای لورک را حدود ۲۴ سال پیش بزور غصب نموده و دهقانان را از زوری آن بیرون میکند. کشمکش بین این جانی با لفظ سره و فاسد با دهقانان جوزدانی تا شروع "اصلاحات ارضی" در سالهای ۱۳۴۰ به بعد ادامه پیدا کرد. بطوریکه در این سالها ژاندارمری شاه چندین بار به روستا تیان حمله آورد و نتوانست یکبار بیش از ۲۴ نفر از دهقانان را بزند. انداختند از "اصلاحات ارضی" شاه

برای دهقانان یک مشت کاغذ و سند باقی ماند و برای اصغر میرزا زمینهای لورک. از این به بعد اصغر میرزا سعی نمود تا هرگونه شری که دال بر مالکیت دهقانان باشد را از زمینها نماید و با ایجاد سیستمات گوناگون و توسعه مزرعه مالکیت خود را مسلط نماید. در جریان قیام بهمن ماه این مجموعه زراعتی به دست مردم و سپس با ساداران نجف آباد تصرف شد. پس رنده اصغر میرزا با وجود مخالفتها شئی که در دادگاه انقلاب اسلامی نجف آباد برای تبرئه او وجود داشت غیباً با مورد بررسی قرار میگیرد و دادگاه حکم به ساداره اموال او را دو کنترل مزرعه لورک به عهده "بنیاد مستضعفین" نجف آباد میول گردید. لازم به تذکر است که این مجموعه دارای یک کارخانه کاغذ سازی، بیش از ۱۵ هکتار باغ، گاوداری، خوکداری، گوسفندداری، دو منزل ویلا شئی، چندین حلقه چاه و امکانات کشاورزی مکانیزه میباشد.

پس از ما دره زمین دهقانان برای باز پس گرفتن زمینهای خود به مقامات حکومتی مراجعه نموده و بسا خوش خیالی منتظر اقدام آنها میشوند. در پائین سال گذشته بنیاد قسول تقسیم حدود ۱۰۰۰۰ جریب (۱۰۰ هکتار) از زمینها را به دهقانان میدهد ولی وقتی که دهقانان زمین را شخم زدند با مخالفت بنیاد دروبروشده و با لاف در مخالفت ژاندارمری و پاساداران دهقانان را از زمین بیرون رانده میشوند. بنیاد دکه از بلعیدن چنین لقمه چربی به هوس افتاده بود با بکار گرفتن تعدادی از دهقانان بیش از ۹۰۰ جریب (۹۰ هکتار) از زمینها را به زیرکشت گندم میبرد و برای بخشی دیگر از زمینها نیز برنا مه کشت یونجه ایجاد باغ، و جالیز فرا هم میآورد. علاوه بر زمینهای که خود مستقیماً در اختیار میگیرد حدود ۵۰۰۰ جریب (۵۰ هکتار) از اراضی زراعی را به دانشگاه صنعتی افغان اجاره میدهد و بخشی دیگر را سالیانه و به قسرار جریبی ۲۵۰-۲۰۰ تومان (هکتاری ۲۵۰۰-۲۰۰۰ تومان) به دهقانان

دهقانان که میدان از بنیاد نجف آباد قطع شده بود به مقاصد مسئول در افغان، قم و تهران مراجعه مینما یند و حتی یکبار ریزشها قول تقسیم زمینها را از آیت الله منتظری میگیرند که آنهم به جاشی نمیرسد. با گذشت زمان هر روز فکرحل مسئله از طریق دیگری بجز دولت و "شورای انقلاب" بین دهقانان قوت میگیرد تا اینکه در تاریخ ۱۶/۲/۵۹ حدود ۲۰۰۰ نفر از مردم جوزدان برای یکسره کردن تکلیف خود بطور دسته جمعی به زمینهای لورک هجوم آورده و با اشغال زمینها شئی که تا این تاریخ در کنترل بنیاد نجف آباد بود گام

تا زهای در تحقق خواستهای حق طلبانه خود برداشتند. مردم جوزدان که تا این تاریخ برای مدت بیشتی از ۱۴ ماهه میان دروغین خود را از موذیه بودند، دیگر به حرفهای هاشمی شیخ دهقانان را با اقدام از طریق قانونی دعوت مینمودند و گوش ندادند و پس از شور و مشورت گسترده در مورد قدمهای بعدی تصرف مزرعه را در دستور کار خود قرار میدهند. البته در شب قبل از اشغال مزرعه با شیخ هاشمی در مورد همکاری با مردم تما حجت مینما یند که او نیز در مقابل اراده مردم تسلیم میشود و همگی مردم را فوراً از کمکیف ماجرا مطلع مینمایند. در صبح روز ۱۶/۲/۵۹ با بستن گوازه مردم خواهسته میشود تا به سرکار رفته و همگی در برنا مسه تصرف مزرعه لورک شرکت نمایند. در این میان شرکت وسیع کارگران جوزدانی ذوب آهن افغان که آنروز به سرکار رفته بودند به این مبارزات جلوهها شگرهی داده بود. کارگران همدوش برادران دهقان خود و برای احقاق حق آنان بای زمینان مبارزه گذاشتند و نشان دادند که در مبارزه جاری باید به رسالت اهداف دموی - کراتیک جنبش جامعه عمل بپوشانند. مردم پس از وارد شدن به محوطه مزرعه با مقاومت دونا فرازای سادی سرما یهدار و فئودال بنیاد بنامهای حاج مصطفی وسیدرضا اسما علیان و یکی از پاساداران بنام عباسی روبرو میگرددند. دهقانان که از آنان دل خونی داشتند بایل به جان آنها افتادند و جابیی حالشان را جاسی - آورند و پاسادار یاد شده را خلع سلاح مینمایند و سپس هر سه آنان را گروگان میگیرند. مزدوران ژاندارمری به فرماندهی سروان مفری و دو ماشین پاسادار از نجف آباد دکه تا لورک حدود ۱۳ کیلومتر فاصله دارما مور میشوند تا دهقانان را "سرجای" خود بنشانند. دستههای سرکوب اعزامی با مقاومت و روحیه جنگجویانه دهقانان مواجه میشوند و بدین جهت از نجف آباد تقاضای فرستادن روحانیون را می کنند. در غروب همان روز دو تن از روحانیون نجف آباد بنامهای حاج بقیه در صفحه ۵

کارگران شرکت

در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۲ کارگران ما نند همیشه مشغول کار نبودیم که رئیس کارگاه (آقای کوهی) به یکی از کارگران حمله ور شده و با توهین و تحقیر وی را به باد دکتک میگرداند و این حرکت غیر انسانی را بدون هیچ عذرو بهانه ای انجام داده، کارگری که مورد حمله و توهین قرار گرفته بود به این حرکت اعتراض مینماید و با مدافعان خلبه بقیه کارگران جریان خاتمه پیدا میکند، اما آقای کوهی به این اکتفا نکرده و به آقای مهندس آریا سرپرست کلیه کارگاه های واقع در منطقه مها با دشکایت میکند، بعد از چندین روز آقای مهندس آریا همراه پنج پیش-مرکه حزب دمکرات به سرپرستی ملامحمد عجم به کارگاه آمده و بدون پرس و جو کارگری را که قبلا مورد توهین واقع شده بود بدستور مهندس آریا و ملامحمد عجم به باد دکتک میگیرند، کارگرد دیگری که به این حرکت پیشمرکه ها اعتراض میکند را نیز به همان شیوه به میدان میکشند و زیر ضربات لگد و مشت و قنداق تفنگ میگیرند.

آقای ملامحمد عجم (مسئول حزب دمکرات) طی سخنانی به کارگران گفت: "دیگری نبود که صدایش در بیاید... و آقای آریا فرمودند "اگر کوچکترین اعتراضی به کارفرمایان سرکار و رگرو غیره بشود کارگاه را میبندیم. من

فردی هستم که میتوانم تک تک شما را سر به نیست کنم و برای هر کدام یک پیشمرکه بکندم که ادب تان کند."

ما رهمه نیروهای سردی گردستان سؤال میکنیم که آیا پیشمرکه ها برای کسب حقوق خلق کرد و ما زحمتکشان اسلحه برکف گرفته اند یا برای سرکوب ما که آقای مهندس آریا این چنین مارتها دید میکنند.

ما کارگران شرکت سا بتا در شرایطی کار میکنیم که هیچ کارما هم هزینه مسکن پرداخت نمیشود، تمام حقوق و مزایای نا چیزیمه ما ن کسر می-شود، دستمزدها ما ن در سطح حداقل ۵۶۷ ریال در روز است، اجازه استفاده از یک روز مرخصی در ماه را نداریم، هر سه ماه یک بار حقوق ما را آنهم گاه گاهی پرداخت میکنند، هر روزی که با زندگی ما شدستند ما پرداخت نمی شود، برای اینکه استخدا م شوبم حتما با پدیده سرکارگر (رحیم زرگر) رشوه ای پرداخت نما - شیم و... و حتی در روز ۱۱ اردیبهشت که روز جهانی کارگران است آقای کوهی کارگران را تهدید کرده که اگر سرکار را رنجاندند غیبت به حساب خواهد آمد و این در حالی است که آقای کوهی خود را طرفدار کارگران نشان داده و همه جا از "حزب توده" تعریف و تمجید میکند.

ما از همه احزاب و سازمان های مترقی تقاضا داریم که اوضاع ایمن کارگاه را بررسی کنند و به هر نحوی که میتوانند پدیده ما کمک نما یند تا ما بتوانیم همدوش سایر فرزندان خلق حقوق اولیه و انسانی ما ن را کسب کنیم و هم در حد امکان تا خود در مبارزه برای خود مختاری شرکت نما شیم.

مستحکم با دتا دکتا کارگران!
بیرو زبا دمبارزات خلق کرد!
مرگ بردشمنان خلق!

عده ای از کارگران شرکت ایران سا بتا -
کارگاه سیروس واقع در کوسه کهریز -
تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۰

اخراج کارکنان مبارز و انقلابی صنایع فولاد را محکوم کنیم

بدنبال اخراج های بی دردی کارکنان مبارز و انقلابی صنایع فولاد و زندانی نمودن تعدادی از آنان، خارقانی، این افسر بیما ن آمریکائی سنتو و این دست آموزا آمریکا و شاه، اخیرا دست به عمل نفرت انگیز دیگری بجهت اخراج ۳۵ تن دیگر از کارکنان صنایع فولاد زده است.

این عمل در شرایطی صورت میگیرد که عنا صر ما و اکی گروه گروه عفو می-گردند و از زندانها آزاد میشوند و اتفاقا مصدر کارهای میمی میگردند، این عمل در شرایطی صورت میگیرد که از ما کمه و مجازات سرما یه داران و زمینسداران بزرگ بشدت جلوگیری میشود، و این عمل در شرایطی بوقوع میپیوندد که از امر انقلابی و بحق تمغیه و با کساری کارخانه ها و ادارات از وجود عنا صر مزدور و سرپرده جلوگیری و یا در آن اخلال میکنند و شواهدی به کار این عنا صر مزدور بر سر کارها یما ن هستیم، در مقابل همه روزه ها اخراج و یا زندانی نمودن عنا صر مبارز و انقلابی در کلیه کارخانه ها، ادارات و موسسات می با شیم.

این سیاست و سیاستهای مشابه که بمنظور جلوگیری از پیوند توده ها با عنا صر پیشرو و انقلابی و در نتیجه جلوگیری از رشد آگاهی سیاسی و انقلابی توده ها و برهم زدن حاکمیت توده ها از طریق کوشش برای نابودی شورا های انقلابی و یا بی محتوا نمودن شورا ها صورت میگیرد، در عمل کوششی است برای مقابله با خواسته های بحق توده ها و خفه کردن انقلاب از طریق حاکمیت ضد انقلابی عنا صر از قبیل "خارقانی". اینگونه اعمال که بمنظور سر به زدن به مبارزات دموکراتیک و ضدا مپریا لیستی توده ها و کوشش در جلوگیری از تداوم گسترش انقلاب میباشند، بدون شک موجب نفرت توده های زحمتکش و انقلابی و کارگران و کلیه نیروهای انقلابی میباشند و مقامت جدی آنان روبرو خواهد شد و آنان مصممانه ترا ز پیش در ادا ما انقلاب خوا هند کوشید.

مردم مبارز و آزادیخواه، کارگران و زحمتکشان، نیروهای انقلابی!

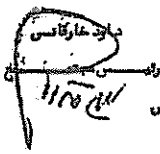
به حمایت و یاری برادران مبارز خود در صنایع فولاد برخیزید و در افشاء و محکوم نمودن عمل ضد انقلابی "دا و دخارقانی" و توطئه های گوناگون که به

شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع فولاد کهریز

به کارکنان شرکت ما خاصان ما ما
از رئیس هیئت

نظایر اینکه بوجد افراد در کارگاه شرکت استخراج هست خواهش است دستور فرمائید
از تاریخ مدیران نامه، قرارداد، ایمان خاصه داده شود.

- | | | | |
|--------------------|--------------------|-------------------|-------------------|
| ۱- مهندس مویز زهری | ۲- مهندس مویز زهری | ۳- مهندس علی صادق | ۴- مهندس علی صادق |
| ۵- صادق کشاورزی | ۶- محمد رضا نظری | ۷- طاهر باقری | ۸- هوشنگ شاهپور |
| ۹- اردشیر دوستانی | ۱۰- محمد زرخشان | ۱۱- اسماعیل رشیدی | ۱۲- سلیمان بهشت |
| ۱۳- محمد خواجه | ۱۴- محمد ریسان | ۱۵- اکبر مدی رشید | ۱۶- محمد آذرخاوری |
| ۱۷- طاهر مدی رشید | ۱۸- طاهر مدی رشید | ۱۹- طاهر مدی رشید | ۲۰- طاهر مدی رشید |
| ۲۱- طاهر مدی رشید | ۲۲- طاهر مدی رشید | ۲۳- طاهر مدی رشید | ۲۴- طاهر مدی رشید |
| ۲۵- طاهر مدی رشید | ۲۶- طاهر مدی رشید | ۲۷- طاهر مدی رشید | ۲۸- طاهر مدی رشید |
| ۲۹- طاهر مدی رشید | ۳۰- طاهر مدی رشید | ۳۱- طاهر مدی رشید | ۳۲- طاهر مدی رشید |
| ۳۳- طاهر مدی رشید | ۳۴- طاهر مدی رشید | ۳۵- طاهر مدی رشید | ۳۶- طاهر مدی رشید |



روشت: امیر ساختن و امیسات مجمع آقای مهندس طباستانی
دفتر: مآملش ما ن جهت اقدام
اسرار ما ن - جهت اقدام

منظور سر به زدن به وحدت مبارزه جو یا نه مردم میباشند علیه امپریالیسم
آمریکا صورت میگیرد، بکوشید.

اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز - ۲۳ اردیبهشت ۵۹

اسرائیل را به ستوه آورده بودند و به همراه دیگر توده‌های ستمدیده منطقه پایه‌های حاکمیت ارتجاع، امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه به لرزه درآورده بودند، مجدداً با سرکوب مشترک نیروهای نظامی سوریه، مصر،

از سقوط رژیم شاه مزدور بخت‌سوان مهمترین پایه‌ها، زاندا روم و حافظ مناقع امپریالیست‌ها بویژه آمریکا اجرای نقش فوق به پاکستان، عربستان سعودی و مصر محول شده است؟ خصوصاً اینکه تجا و زنگ می‌آخیس آمریکا با کمک و میل باطنی و آشکار آنها نیز بوده است؟ هم‌اکنون نیز آمریکا به توطئه‌های خود علیه انقلاب خلقی‌ها ما ادامه میدهد، اگر در آینده خود را ناچار به دخالت و تجا و زنگ می‌بیمیم ما ببنید کشور‌های مزبور در جبهه آمریکا و در مقابل انقلاب ایران قرار خواهند گرفت. پس خواست انقلاب ایران است که هر چه گسترده‌تر به افشای اهداف این تجمع‌ها پرداخته و نیز با تکیه بر جنبش‌های خلقی منطقه و جهان بمقابله و مبارزه با این مرتجعین و ارباب‌نشان بر خاسته و با آنها مرزبندی قاطع بنماید. برای حکومتی چون حکومتی فعلی شرکت در چنین مجامعی که در اساس توسط امپریالیست‌ها و ارتجاع‌عیون منطقه رهبری شده و سمت و سوی

«کنفرانس کشورهای اسلامی»

زمان که همین مسلمانان فلسطینی مبارزه‌شان بر علیه غاصبین غیرمسلم اسلامی خاک فلسطین مورد حمایت امپریالیست‌ها و وسعت گرفته با محاصره و سرکوب همین مرتجعین اسلامی روبرو قرار گرفته‌اند. در سال ۱۳۴۹ که اردن یکی از پایه‌های نیرومندان انقلاب آزادیبخش فلسطین گردیده بود و اسرائیل را مورد خنجر جدی قرار داده بود مورد سرکوب وحشیانه و همه‌جانبه‌ساز ملک حسین نوکر امپریالیسم و یکی از بنیان‌کنفرانس اسلامی واقع گردید. با زهم در زمانیکه فلسطینی‌ها در شرایط خوبی قرار گرفته و با حملات مداوم خود در اعماق خاک فلسطین رژیم

مردم غیور آبادان، دادستان شهر خود را بشناسید!

سندزیر مربوط به آقای عبدالمجید زرگر دادستان فعلی شهرستان آبادان است و به توضیح اضافی نیاز ندارد! با این سوابق درخشان! روشن است چرا در جمهوری اسلامی به دادخواهی با زمان‌تدکان دادگاه رشیدی سینما رکن آبادان ترتیب اثر داده نمی‌شود و در عوض انقلابیونی چون رفقا دانیال پور و مؤذن یکشنبه به جوخا عدا مسیره میشوند...

حزب رستاخیز ملت ایران
شهرستان آبادان - تلفن ۲۸۲۸۸

ریاست کانون شماره ۴۳ شهری
شماره : ۲۸۲۱
تاریخ : ۲۵۴۶/۶/۲۶

از طرف حزب رستاخیز ملت ایران - شهرستان آبادان
انتخابات زیر بعمل آمده است :

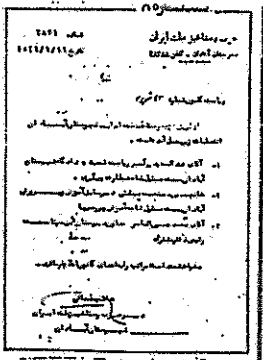
۱ - آقای عبدالمجید زرگر ریاست شعبه ۵ دادگاه شهرستان آبادان سمت مسئول نظارت و پیگیری

۲ - خانم نصرین دستغیب بهشتی دبیر سابق آموزش و پرورش آبادان سمت مسئول شاخه آموزش و پرورشها

۳ - آقای محمد حسین الماسی معاون دبیرستان ابن سینا سمت رئیس دفتر مشترک

خواهشمند است مراتب را به اعضای کانون اعلام فرمائید.

هاشم بطحاشی
دبیر حزب رستاخیز ملت ایران
شهرستان آبادان



حزب رستاخیز ملت ایران
شهرستان آبادان - تلفن ۲۸۲۸۸
ریاست کانون شماره ۴۳ شهری
شماره : ۲۸۲۱
تاریخ : ۲۵۴۶/۶/۲۶

از طرف حزب رستاخیز ملت ایران - شهرستان آبادان
انتخابات زیر بعمل آمده است

- ۱ - آقای عبدالمجید زرگر ریاست شعبه ۵ دادگاه شهرستان آبادان سمت مسئول نظارت و پیگیری
- ۲ - خانم نصرین دستغیب بهشتی دبیر سابق آموزش و پرورش آبادان سمت مسئول شاخه آموزش و پرورشها
- ۳ - آقای محمد حسین الماسی معاون دبیرستان ابن سینا سمت رئیس دفتر مشترک

هاشم بطحاشی
دبیر حزب رستاخیز ملت ایران
شهرستان آبادان

زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم

بعبارت محض آخر

نهمیده اند که خطر از کجا تهدید می کند اگر چه نفهمیده اند که با این خطر چگونه باید مقابله برخاست. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بیانیته شماره ۶۱ و ۶۳ خود

ارتکنولوژی پیشرفته، آنان در به اصطلاح غننی کردن توطئه های آمریکا استفاده نمی کنند.

" لازم است که دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد خرید رادارهای نوری ارتکورهایی که دارای تکنولوژی پیشرفته هستند در ضمن به حق حاکمیت و استقلال ایران احترام می گذارند با در نظر گرفتن مساوی برابری حقوق و حفظ منافع ایران هر چه زودتر اقدام لازم به عمل آورد."

(روزنامه مردم شماره ۲۳۲ صفحه اول) البته روزنامه مردم بخاطر رعایت " مخفی کاری " نامی از کشورهایی که رژیم جمهوری اسلامی ایران باید هر چه زودتر از آنها رادار خریداری نماید نمی برد ولی گنجه که نهاد نهانی هائی که روزنامه مردم میدهد همان نشانی های کاذب ارباب واقفان است، و مردم ما باید آگاه باشند که وقتی " حزب توده " و دیگر جریانات وابسته به ابرقدرت شوروی دم از مبارزه با امپریالیسم آمریکا میزنند، در سرچشمه های پلیسی را برای وابسته کردن کشور ما به ابرقدرت شوروی می پرورند. در اینجا ما نمی خواهیم به افشای " مبارزه ضد امپریالیستی " گارجاق کن های شوروی در ایران بپردازیم که خودبخوبی است مفضل. در اینجا سخن از توطئه های امپریالیسم آمریکا است و کودتای قریب الوقوعی که این روزها همه جا صحبت از آن است. شایعات مربوط به کودتا آنقدر بالا میگیرد که آیت الله خمینی نیز مجبور میشود برای مدین روحیه انقلابی در هواداران خویش سخنانی در ایستگاه رابطه ایراد کند و ضمن آن قدرت ۳۵ میلیون مردم بیدار ایران را به رخ کودتاگران آینده بکشد. حتی گروه های متعصب مذهبی نیز که تا دیروز فعالیت خود را عمدتاً متوجه نیروهای کمونیستی و انقلابی میکردند و از این طریق آگاهانه یا ناآگاهانه شرایط لازم را جهت توطئه چینی امپریالیسم آمریکا فراهم میساختند، امروزه

بسیار شماره ۶۳ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی). صرف نظر از تئوریهای من در آوردی رفقای جب نما می ما که اوضاع و احوال جامعه را بروفق مراد امپریالیسم آمریکا ارزیابی می نمایند و لزومی جهت برآوردن اوضاع از جانب امپریالیسم آمریکا نمی بینند امروزه دیگر تمامی مردم ایران دریافته اند که در شرایط کنونی دشمن اصلی شان امپریالیسم آمریکا است که بواسطه انقلاب تا تمام ایران زخم برداشته و مانند امپریالیسم آمریکا می خواهد در ایران کودتا کند مسئله ای است روشن ولی باید به این سؤال پاسخ داد که پس از حدود یکسال و نیم که از قیام بهمن ماه میگذرد چه گسائی و چسبه نیروهای بی بوده و هستند که راه را برای توطئه چینی آمریکا هموار ساخته اند. تنها با مرور به گذشته و مرور در سیاه ستیهای دولت وقت بازرگانان، " شورای انقلاب "، رئیس جمهور و احزاب و دستجات انحصار طلب است که میتوان زمینه سازان کودتا را با شناخت و دست های پیدا و پنهان امپریالیسم آمریکا را مشاهده کرد. مگر از فردای قیام بهمن ماه گسوس نیستی و انقلابیونی که نگران آینده انقلاب بودند با رها و بارها اعلام تکرار می کردند که این ارتش، ارتش شما هستی و فرماندهان شما دست پرورده ارتش آمریکا و سازمان جاسوسی سیا هستند و برای حفظ دستاوردهای قیام و ادامه انقلاب نخست باید تکلیف این ارتش را روشن نمود؟ مگر کمو نیستی و دیگر انقلابیون با رها و بارها گفتند که این تیمساران و فرماندهانی که اینک وفاداری خود را به جمهوری اسلامی اعلام داشته اند و گویا حاضر شده اند که در راه پیشرفت اسلام جانیازی کنند همانهایی هستند که یک عمر در رکاب شاه مخلوع و اربابان آمریکا تیش به مردم ایران خیانت کردند و در جانشان را از دربار پهلوی و ژنرالهای آمریکا شگفتی گرفتند. پس کسانی شتابزده ارتش را اسلامی اعلام کردند و در گردستان و گنبد در جنگ تحمیلی به زحمت کشان و خلقهای ما به با زایش مشغول شدند چه کسانی شورا های سربازان و درجه داران رادارها دکانها برهم زدند و بسا ایجا محیط ترور و خفقان در سرباز خانه ها اظاعت کور کورانه را در ارتش لازم الاجرا دانستند، و چه کسانی تمام می دستگاہی تبلیغاتی کشور را در جهت اعاده حیثیت از این ارتش

آمریکایی بکار گرفتند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از حیث شبکه مخفی ساواک خبر میدهند و اینکه فعلاً لانه سرگرم توطئه منظور بر سر راه انداختن کودتا هستند. مگر از فردای قیام بهمن ماه یکی از خواسته های بر حق مردم قهرمان و ستم دیده ما این نبود که اساسی ما موران ساواک را در پیشگاه خلق با بدافعال گردند و آنان را در دادگاه خلق به محاکمه کشند تا خدا انقلاب حساب کار دستش بپاید و به دانند که خدمت به دشمنان مردم و مزدوری امپریالیسم و ارتجاع را کردن بی مکافات نمی ماند؟ ولی چه کسانی چند نیروهای بی بودند که به این خواست بر حق مردم دهن کجی کردند، از ساق و کفیا اعاده حیثیت نمودند، حقوق گردن دوسرانجام فرمان عقوبت میشان را از آیت الله خمینی گرفتند. هنگامیکه " اتحادیه " کمونیستهای ایران " لیست بیش از ۱۰ هزار نفر از منابع و ما موران ساواک را منتشر کرد چه کسانی لوزه برانداشان افتاد و دیوانه وار برای مخدوش نشان دادن این لیست به این دروآن در زده. پس برای اینکه بتوانیم توطئه های آمریکا در ایران را بشناسیم و پس با آن مقابله کنیم ابتدا باید سیاستها و سیاست بازاری که میزنند را برای توطئه های امپریالیسم آمریکا فرا هم ساخته اند بشناسیم و در برابر دیدگان نگران مردم ایران رسوایشان سازیم. به زبان دیگر تا وقتی که راه رودسته های سازشکارانحصار طلب که زمینه سازان توطئه گری های امپریالیسم آمریکا هستند رسوا نشوند و از مسند قدرت بزرگشیده نشوند کایوس شوم کودتا پیوسته وجود خواهد داشت.



در تکبیر و پیش حقیقت ما را یاری دهید

عوامل همدست کودتا در رأس ارتش و سفسطه گری رئیس جمهور

بسیاری از اسناد مهم باقی مانده و ... ولی مسئولین "انقلابی" مملکت در بی تطهیر خیا نتهای آشکار و غیر قابل انکار این نهاد مردمی وفرمانند - ها ن آمریکا بی آنها میباشند. رئیس جمهور بنی صدر سرمدمداری این آت تطهیر با شنیدن را بعهده گرفته است : "اینگونه وقایع اگر تنها در کشور ما روی میدادمی گفتیم که چرا ارتش و پاسداران و کمیته ها و نیروها بی که داریم چرا مطلع نشدند که این مساله واقع شده است. نا توانی های بشری در برابر توانایی های او دهها برابر است. توانیا این رادارها و غیره را که ما ابتکار نکردیم و ارتش هم که در زمان رژیم سابق سازمان داده شده و اینکه رادارها کجا باشند اینها را که ما سازمان ندادیم و اگر ما جای آنها را عوض میکردیم آنها میدا نستند از چه فاصله ای عبور کنند و اگر ما جای آنها را تغییر دهیم خود فریبی است پس آنها می توانستند از آن راه کویبری رد بشوند و در آنجا بنشینند. چندین هیات

هم بررسی کرده اند گفته اند غفلت ها - شی بوده است ... ولی اینکه بگوئیم دست ها بی درکار بوده که این چیزها را تدارک می کرده صحیح نیست" و "دمورد بعباران هم با بید بگویم که اگر تاسب می آمدند و هلی کوپترها را می بردند شما چه می گفتید، چنا می گفتید که خود ما رفتیم و با آنها ساختیم ولی سنا د ارتش این بیم را داشت در حالیکه فرمانده نیروی هوایی مخالف آن بود و بیم آن بود که اگر آنها شب بعد از ساعت دوازده که ما توانایی برای مقابله کم داریم آنوقت نگرانی مردم چندبرابر می شد" (با ماد ۲۵ اردی - بهشت ، تاکیدات از ما ست) . جناب بنی صدر خیلی زیرکانه میخواست هد بر خیانت فرماندهان ارتش سرپوش بگذارد. در مقابل آمریکا ، در مقابله با امپریالیسم چرا ارتش آمریکا نگاهان "نا توانی های بشری در برابر توانی های او دهها برابر" می شود، در مقابله با امپریالیسم آمریکا و حفظ (بقیه در صفحه ۷)

این فرماندهان بدنها دوشا هیرست، دلایل ومدارک زیادی در دست مردم است : جمع کردن همه توپهای ضد هوایی فرونگاهای ایران و بی دفاع ساختن آنها ، صدورا اعلامیه دروغ ز طرف ستاد مشترک مبنی بر تعقیب هواپیما های آمریکا بی برای ردگم کردن، بمباران هلی کوپترها و از بین بردن فرماندهان ارتش شاهنشاهی مسلمان شده جمهوری اسلامی ایران در پنجاه هفت گذشته دو کار کردند : ۱- هم - دستی با امپریالیسم آمریکا در تجاوز و آشکارش به ایران و ۲- سرکوب وحشیانه و فاشیستی خلق قهرمان کرد و به هوشم در سنج . دمورد اول : یعنی همدستی

زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم

این عوامل فریبی حضرات سازشکار را باور نکردند. در این میان فقط نوکران کهنه کار شوروی در ایران یعنی "حزب توده" این ستون پنجم بسر قدرت روین در میهن ما فرصت را غنیمت شمرده و با دمیده که چگونه میتوان نقاظ کورآقای بنی صدر و جمهوری اسلامی را روشن کرد. "حزب توده" کتاب را کل آن تودمی بیند فوراً بفکر ماهی گیری می افتد و بی - شرمانه به مسئولان جمهوری اسلامی هشدار میدهد که برای جلوگیری از توطئه های آمریکا با بیدر چه زود تر به سوی اروپا یا روسی آنان روی آورند و (بقیه در صفحه ۱۱)

پس از ماجرای پیاپی شدن راه - زنان آمریکا بی در بیانیهای طبعی که با همدستی عوامل داخلی امپریا - لیسم آمریکا در میهن ما صورت گرفت ، سازشکاران که از مبارزات فدا مهربا - یالیستی مرده و داده انقلاب بسنه تنگ آمده اند به تلاش افتادند تا بسر روی چهره گریه کارگران امپریا - لیسم آمریکا در ایران سرپوش نهند . بنی صدر با کارانه تقلا کرد که نقش مزدوران و سرپرندگان ارتش جمهوری اسلامی را در این ماجراست مالمی کند و تما می گنا ها ن را به گردن نقاظ کوردستگاههای رادار ایران بیندازد. ولی حتی ذهنهای کور هم

کارگران شرکت ایران سایبا زورگونی کارفرما و پشتیبانانش را قبول ندارند!

مردم مبارز کردستان: در حالیکه فرزندان قهرمان خلق کرد برای دفاع از شرافت و حیثیت و حقوق خلق بی محابا جان خود را فدا میکنند و ارتجاع هربا ربه گونه ای دست از آستین درمی آورد و به قصا بی بهترین فرزندان خلق ما میبرد از د، ما کارگران شرکت ایران سا بتا نیز خواهان شرکت در این مبارزه همراهی با همه انسان های متعهد هستیم و با تمام ما مکتا تا تمام سعی در کمک به این مبارزه تاریخی داریم. اما ما توجه مردم قهرمانان را به خود جلب کرده و تقاضای کمک از همه شما داریم . (بقیه در صفحه ۹)

"کنفرانس کشورهای اسلامی"

یک تجمع ارتجاعی در خدمت امپریالیسم ، علیه خلقها !

از همین کشورهای اسلامی بخود در عین حال محنه مبارزه بر قدرت ها علیه یکدیگر و در ضدیت با خلقهای کشورهای فوق و بهره برداری تبلیغاتی حکومت های وابسته بفتح خود نیز گردیده است. از بدو پیدایش این گروهها - ها که هر چند نگاه یکبار بر بویزه در مواضع ضروری سران ، شیوخ و وزرای حکومت های مزبور در یکی از کشورهای اسلامی تجمع کرده اند، هیچگاه حتی برای یکبار هم دیده نشد که حرکت مثبتی از جانب اینان بفتح همین مردم مسلمان انجام گرفته باشد. بلکه همیشه در جهت توطئه و سرکوب جنبش

تقسیم بندی قلابی ، مسخره و فریبکارانه بخشی از کشورهای جهان در قالب مذهب. واحد موسوم به "کنفرانس اسلامی" که توسط مرتجعین منطقه و حکومت های کشورهای مزبور به راهنمایی اروپایان خارجی شان به وجود آمده هدفی جز مقابله و سرکوب مبارزات خلقهای منطقه زیر پوشش دفاع از منافع کشورهای اسلامی یا جهان اسلام نداشته و ندارد. البته بعد از تبدیل شوروی بیک ابر قدرت امپریالیستی و وابسته کردن یکسری

و مبارزات و فریب خلقهای نامبرده اقدام نموده است. کم نبوده و نیستند جنبشهای اصیل خلقی و فدا مهربا - لیستی متعدد کشورهای مختلفه متشکل در این کنفرانس که سالها با امپریالیست ها و مزدوران محلی شان در حال مبارزه بوده و هستند - مورد خشم و دشمنی این مرتجعین قرار گرفته و از طریق همین کنفرانس اسلامی مورد سرکوب واقع شده اند. به عنوان مثال از مبارزات رزمندگان

خلق فلسطین که دهها سال است برای اخراج اشغالگران صهیونیسم - مورد حمایت امپریالیست ها از وطنشان مبارزه میکنند، میتوان نام برد. از سالها مبارزان زنان و کودکان فلسطینی در اردوگاه های لبنان توسط متجاوزین میتوان یاد کرد. ولی نسه اینکه هیچکدام این تجاوزات و جناس - یت ها که در بیکر فلسطین فرود آمده مسئله ای تنها نبوده و نیست ، بلکه هر (بقیه در صفحه ۱۰)